

خط پیگیری

سرنوشت تلخ یک مرد بانکی در سوء ظن زنانه

سرنوشت یک مرد بانکی که در اتفاقات عجیبی یک شبه همه زندگی و کارش را از دست داده او را در شرایط بدی قرار داده است. او می گوید به دلیل یک سوء ظن زنانه هم آبروی خودش و یک زن بی گناه رفت هم بیکار شد و هم در آستانه طلاق قرار گرفته است.

ساعت ۱۱ شامگاه ۱۶ آذر امسال بود که قاضی غلامی در جریان مرگ یک مرد در بیمارستان قرار گرفت و در حالی که این مرد دچار ایست قلبی شده بود خانواده اش ادعا کردند که دامادشان در مرگ پدرشان نقش داشته است.

با توجه به شکایت خانواده، تیمی از ماموران برای تحقیقات وار عمل شدند و دختر خانواده به ماموران گفت: مدتی است با شوهرم اختلاف دارم و به او شک کردم که صبح امروز همراه پدرم و دو فرزندم، همسر مرا تعقیب کردم و دیدم که همسر ما بایک زن جوان که از همکارانش است قرار ملاقات دارد.

وی افزود: عصبانی شدم و به سمت آن هارفتم و بین ما درگیری نافذلی صورت گرفت و پدرم به سراغ ما آمد که بگو مگویی شد ناگهان حال پدرم به هم خورد و وقتی او را به بیمارستان رساندیم دچار ایست قلبی شد و حالا از شوهرم شکایت دارم چون در مرگ پدرم نقش داشته است. بدین ترتیب داماد خانواده هدف تحقیق قرار گرفت و این جوان ۲۹ ساله صبح روز بعد از این اتفاق پیش روی بازپرس پرونده گفت: در بانک کار می کنم و صاحب دوفرزند هستم، از مدت ها قبل همسرم به دلیل سوءظن و شکاک بودنش باعث نارآزم شدن زندگی مان شده بود و بارها بر سر این موضوع با خانواده هام صحبت کردم و همیشه پدر و مادرم برای استوار شدن زندگی مان حق را به همسر می دادند و این در حالی بود که من هیچ خطایی نکرده بودم و همه تلاش مرا می کردم تا بهترین زندگی را برای همسر و فرزندانم فراهم کنم. وی افزود: هر چه می گذشت شکاک بودن همسرم بیشتر می شد، حتی چندی قبل متوجه شدم همسرم داخل خودروام یک جی پی اس بشود صدا گذاشته و با توجه به این که هیچ اشتباه و خیانتی نکرده بودم به همه رفتارهایم گیر می داد و وقتی می خواستم از خانه خارج شوم می گفت عطر زن و این لباس را نبوش. مر در جوان ادامه داد: باهمه این اتفاقات به دلیل این که زندگی ام را دوست داشتم سکوت کردم تا این که چندی قبل یکی از همکارانم که یک خانم است از من خواست که به او پول قرض دهم، رسید بانکی داخل جیبم بود که همسرم در بازرسی لباس هایم این رسید را دید و شروع به بهانه گیری کرد. وی گفت: همسرم به محل کارم آمد و با داد و فریاد باعث آبروریزی شد تا جایی که همکارم نیز دیگر نمی توانست سرش را پیش همکاران بالا آورد. پس از این اتفاقات بود که دیگر تصمیم گرفتم از همسرم جدا شوم، اما او حاضر به جدایی نبود.

■ **روز حادثه**

پسر جوان درخصوص روز حادثه گفت: پس از مدتی با همکار خانمی که برای این سوء تفاهم ها واقعا شرمنده اش بودم قرار ملاقات داشتم و قصد داشتم او را پارک بینیم، وقتی به محل قرار رفتم ناگهان همسرم همراه دوفرزندم پدرش به محل قرار آمدند. وی افزود: همسرم به سمت همکارم حمله کرد که آن هارا از هم جدا کردم و از پدرزنم خواستم همسر مرا سوار بر خودرواش کند و آن جابروند که این اتفاق افتاد پدر زنم در سلامت سوار ماشین شد و من در حالی که فریادهای زنم در داخل خودرو ام را می شنیدم از محل دور شدم.

■ **۱۵ دقیقه بعد**

مرد جوان گفت: ۱۵ دقیقه از ماجرا گذشته بود که در تماسی تلفنی متوجه شدم بعد از ترک آن ها توسط من حال پدر زنم بد شده است واقعا ناراحت شدم این پیرمرد هیچ گناهی نداشت همه منی که قربانی دبدبینی همسرم شده بودیم سریع خودم را به آدرسی که اعلام کرد رساندم. مردم دور پدر زنم جمع شده بودند و یک نفر کار تنفس مصنوعی و احیا را انجام می داد که او رزانش در محل حاضر شد و او را به بیمارستان منتقل کردند بعد من همراه همسر و فرزندانم به بیمارستان رفتم و چون بچه هامی توانستند داخل بیمارستان شوند آن هارا به خانه بردم. این جوان ادامه داد: پس از درگذشت پدرزنم، همسرم ادعا کرد که من با پدرش درگیر شده ام در صورتی که من هیچ بر خوردی با پدرزنم نداشتم و در صحنه درگیری همسر و همکارم از پدرزنم خواستم دخترش را سوار بر خودرو کند، اگر من با پدرزنم برخورد می کردم در همان صحنه یک حادثه رخ می داد نه این که پس از ۱۵ دقیقه به من زنگ بزنند و بگویند حال پدرزنم بد شده است. پدرزنم دچار ایست قلبی شده است شاید بعد از رفتن من از صحنه درگیری همسرم رفتاری کرده که به پدرزنم فشار عصبی آمده است چرا که من به پدرزنم خیلی احترام می گذاشتم و هیچ ناراحتی بین ما نبود. قاضی پرونده در حالی که این مرد جوان نقشی در ماجرای مرگ پدرزنش نداشت دستور بازداشت داد تا نظریه پزشکی قانونی اعلام شود و تحقیقات تکمیلی از وی در پلیس آگاهی تهران صورت گیرد. پس از یک هفته مرد جوان با قرار کفالت و سپردن یک حقوقی که نشان از اتهام سبک و احتمالی او دارد آزاد شد و وقتی به خانه اش رفت دید که همسرش در زمان نبودش همه وسایل خانه را برداشته و رفته است. این مرد جوان درخصوص اتفاقاتی که پس از بازداشت شدنش رخ داد، به خبرنگار ما گفت: همسرم همه وسایل خانه را برداشته و خانه را خالی کرده است روزهای نخست از فرزندانم خبری نداشتیم و بدون اطلاع من آن هارا برده بود حتی پدر و مادر من نیز نمی دانستند همسرم بچه هارا کجا برده است و بدتر از همه به دلیل این اتفاق که من واقعا نقشی نداشتم و از مرگ پدرزنم نیز ناراحت شدم وقتی به محل کارم رفتم دیدم مرا از کار بیکار کردند در حالی که می دانند من بی گناهم.وی افزود: برادر دایی همسرم زمانی که به بازداشتگاه بودم مرا تهدید به قتل کردند. وی در پایان گفت: به خاطر یک اتفاق تلخ همه زندگی ام را از دست دادم و در حالی که کلی قسط دارم بیکار شدم و نمی دانم چه کسی جلا جواب این اتفاقات را می خواهد بدهد بعد از مدت ها بچه هایم ادر حالی تحویل گرفتم که خودم هیچ پشتوانه ای ندارم اما خوشحالم بچه هایم زنده هستند و خیلی با فهمیده اند من نه تنها هیچ رابطه ای با همکارم نداشتم بلکه دخالتی در ایست قلبی پدرزنم هم نداشتم. بنابر این گزارش: تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

■ **تحلیل کارشناس**

بیماری روابط فامیلی

دکتر امان ... قرائی مقدم جامعه شناس و استاد دانشگاه متأسفانه امروزه به دلیل شرایط سخت زندگی و مشکلاتی که گریبانگیر خانواده ها شده اختلافات فامیلی شیوع زیادی یافته است و ذهنیت فکری جامعه نسبت به یکد یگر تغییر کرده است و رفتار همه افراد در جامعه نیز تغییر کرده و در عصر جدید معنویت

پسر جوانی که در یک رقابت عشقی توانسته بود با دختر عمویش از دواج پس از جدایی به اتهام شروع به قتل عمو و زن عمویش دستگیر شد.

■ **ادعاهای عجیب**

چندی قبل زوجی با حضور در دادسرای امور جنایی تهران از پسر یکی از بستگانشان که ادعا می کنند آن ها را تا یک قدمی مرگ کشانده بود و قصد قتل آن ها را داشته است اعلام شکایت کردند.

زن سالخورده در اظهاراتش ادعا کرد که برادرزاده همسرش هفت ماه قبل به دلیل این که جاو مکانی برای زندگی نداشته به خانه مان آمد و من نیز از روی دلسوزی به او پناه دادیم اما پسر جوان با بی رحمی ما را راهی بیمارستان کرد و به کمار فتم و ولی را تلاش پزشکان و خواست خدا به زندگی باز گشتیم و فکر می کنم او قصد قتل من و شوهرم را داشته است.

مرد ۶۰ ساله در اظهاراتش ادعا کرد برادرزاده اش که اعتیاد شدید به مواد مخدر دارد با دادن نسکافه مسموم، آن ها را راهی بیمارستان کرده بود و ۱۰ روز در بخش مراقبت های ویژه بستری بودند و خدا آن ها را از مرگ نجات داده است.

■ **عشق به دختر عمو**

شوهر این زن به بازپرس ساسان غلامی، رئیس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران گفت: پسریم سال ها به دختر برادرم علاقه داشت و این در حالی بود که برادرزاده ام که

مند بود تا این که مهران و آزاده با هم ازدواج کردند و پسریم نیز در این رقابت عشقی شکست خورد. وی افزود: مهران راننده یک آمبولانس خصوصی بود و پسریم بعد از این که مهران و آزاده با هم ازدواج کردند از پسر عمویش دلخور بود. پسریم عاشق آزاده بود و به قول گفتنی قسمت نبود آن ها با هم ازدواج کنند.

این مرد ادامه داد: او روزهای نخست زندگی اش شرایط خوبی داشت اما با گذشت زمان به مواد مخدر شیشه اعتیاد پیدا کرد و همین باعث شد تا زندگی اش خراب شود و بعد از چهار سال، آزاده و مهران از هم طلاق گرفتند و از کار نیز بیکار شد.

وی گفت: مهران هیچ جا و مکانی برای زندگی نداشت تا این که هفت ماه قبل مهران پیش ما آمد، در حالی که از او کمی دلخور بودم به خاطر برادرم او را به خانه راه دادم و وقتی دیدیم جایی برای زندگی ندارد با همسرم تصمیم گرفتیم به او پناه دهیم اما نمی دانستیم او نقشه ای برای کشتن مادر دارد.

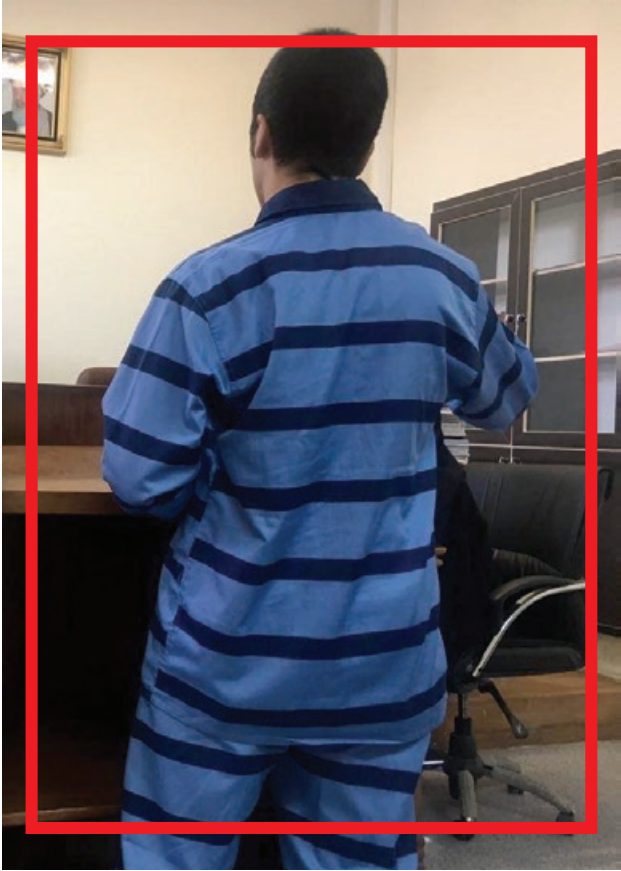
شب حادثه، مهران برای من و همسرم نسکافه در ست کرد و همه چیز عادی به نظر می رسید که ما نسکافه ها را خوردیم اما بعد از دقایقی چشمانمان سنگینی کرد و دیگر چیزی به یاد ندارم و بی هوش شدیم، یکی از فرزندانم بارها به من زنگ زده بود چون بی هوش بودیم جواب تلفن را نداده بودیم به همین دلیل نگران ما شده و به خانه مان آمده بود او توانست با کلید در را

باز کند و با من و همسرم که بی هوش روی زمین افتاده بودیم روبه رو شده بود و ما را به بیمارستان منتقل کرد.
این مرد ادامه داد: بعد از ۱۰ روز در بیمارستان به هوش آمدمیم و تازه فهمیدم که چه اتفاقی افتاده است و احتمال می دهم برادرزاده ام که اعتیاد به مواد مخدر شیشه دارد به ما هم شیشه خورانه و ما تا یک قدمی مرگ پیش رفتم که بیمارستان هم مسمومیت با شیشه را تایید کرده است و حالا مهران

مادیات با یکدیگر ارتباط می گیرند. در گذشته روابط بر اساس عقلا نیت بود و از قرن ۱۷ به بعد مادیات پر رنگ تر شد و با شیوع مادیات و کم رنگ شدن معنویات، اختلافات و نزاع های خانوادگی شدت گرفت و سبک زندگی تغییر کرد. در عصر جدید رفتار ها، باورهای خویشاوندی و فامیلی تغییر ماهیت داد و به همین دلیل است که دچار آسیب های خانوادگی و فامیلی شده ایم. مادیات به قدری در روابط انسان ها و اقوام تاثیر گذاشته که ارزش گذاری انسان ها تغییر یافته و به شکل

برادر و مادر بزرگ قاتل، مرگ او را خواستند

۲ بار قصاص برای شلیک مرگ به پدر و مادر



کردم. برادرم فرار کرد و خودش را به طبقه سوم خانه مان رساند و در را به روی خودش قفل کرد که همسایه ها با کمک های فریاد خواهی او سر رسیدند و مردان نقابدار فرار کردند.

■ **اعتراف به دعوی خانوادگی**
در حالی که امیر مدعی بود مردان نقابدار دست به شلیک زده اند امین روی تخت بیمارستان به ماموران گفت : وقتی وارد خانه شدم هیچ کسی را در حیاط ندیدم. من گمان می کنم برادرم تحت تاثیر مصرف مواد مخدر دچار توهم شده باشد. وقتی من در طبقه سوم در را روی خودم قفل کرده بودم فریاد های کمک خواهی او را می شنیدم. با اظهارات پسر جوان سرانجام امیر به قتل پدر و مادرش به دلیل اختلاف های خانوادگی قبلی اعتراف

بررسی حوادث

فرجام تلخ عاشقی پسر عموها



پسرشان را از او بگیرند. مهران گفت: من هیچ کاری با عمو زن عمویم نداشتم و آن ها با این صحنه سازی و دروغ پردازی های شان قصد دارند انتقام پسرشان را در اجرای ازدواج من با دختر عمویم بگیرند، من بی گناهم.

بنابر این گزارش، بازپرس غلامی با اتهام شروع به قتل عمدی مهران برای عمو زن عمویش دستور داد تا متهم برای تحقیقات تکمیلی در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گیرد.

شکایت داریم و می خواهیم علت این کارش را بدانیم، چون ما به او پناه دادیم و هیچ وقت نگذاشتیم با شرایطی که دارد داخل خانه به او بدگذرد.

■ **بازداشت برادرزاده شیشه ای**

بدین ترتیب تیمی از ماموران پلیس تهران به دستور بازپرس پرونده برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند و خیلی زود مهران ۳۵ ساله را دستگیر کردند و این جوان ادعا کرد که عمو و زن عمویش با صحنه سازی قصد دارند انتقام شکست عشقی

نگاه سرمایه داری درآمده است.

ارزش ها، هنجارهای سالم و ... کاهش یافته و برای تقویت آن باید آموزش و پرورش و نهاد های متولی با ساخت برنامه های اصولی و متنوع پیوندی خانوادگی را محکم نشان دهند اما متأسفانه دعوا و نزاع فامیلی به حدی افزایش یافته که انسجام بین خانواده ها و اقوام را کاهش داده و اخلاق در بین افراد از بین رفته است.

جامعه دچار آنومی شده و به همین دلیل است که وقتی در جامعه ای آمارهای نزاع فامیلی بالا می رود جامعه دچار بیماری

جنایت در تب عشق

رقیب عشقی وقتی دیدن جوان به عقد موقت جوان دیگری در آمده در اقدامی مرگبار دست به قتل زد و گریخت. کیفرخواست این پرونده با توجه به فراری بودن عامل جنایت به صورت غیابی صادر شد و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع خواهد شد. ۲۵ مهر ۹۵ رهگذاران در خیابان پیروزی مشاهده کردند مرد جوانی باها کردن موتورش در کنار خیابان، روی پل عابرپاده رفته و پسر جوانی را هدف ضربات چاقو قرار داده و سوار بر موتورش با به فرار گذاشته است. با اعلام این خبر به پلیس و تیم های پزشکی خیلی زود امدادگران و ماموران در محل حاضر شدند و مرد جوان را که غرق خون روی زمین افتاده بود به بیمارستان منتقل کردند اما این جوان به دلیل خون ریزی شدید به کام مرگ فرو رفت و همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات پلیسی و دستگیری عامل این جنایت خوین وارد عمل شوند.

■ **نخستین سرخ**

کارآگاهان در گام نخست به سراغ خانواده مرد جوان رفتند و در تحقیقات مشخص شد که او چندی قبل به صورت پنهانی با زن جوانی ازدواج موقت کرده است که در ادامه ماموران برای رسیدن به سرخ به سراغ زن جوان رفتند. محدثه وقتی پیش روی ماموران قرار گرفت، مدتی بود که بایک پسر جوان ازدواج موقت کرده بود اما بعد از پایان زمان عقد موقت مان به دلیل اختلافاتی که باهم داشتیم دیگر به رابطه مان ادامه ندادم تا این که با حمید آشنا شدم و وقتی دیدم جوان خوبی است به صورت پنهانی با او ازدواج موقت کردم. وی افزود: بعد از ازدواج با حمید، کامران اصرار داشت که به رابطه اش با من ادامه دهد و بارها از من خواست که از حمید طلاق بگیرم و با او ازدواج کنم اما من انتخاب خودم را کرده بود ولی مزاحمت های کامران ادامه داشت ولی هیچ وقت نگذاشتم حمید از این ماجرا با خبر شود تا در رابطه مان بی اعتمادی و ناراحتی پیش آید. زن جوان ادامه داد: مدتی گذشت و کامران که می دید من نمی خواهم به زندگی با او برگردم شروع به تهدید کرد و با توجه به مشخصاتی که شاهدان از قاتل در صحنه قتل دادند احتمال می دهم قتل حمید از سوی کامران انجام شده باشد، چون از او هر کاری بی می آید.

■ **متهم فراری**

کارآگاهان با به دست آوردن این سرخ موفق به شناسایی خانه کامران شدند اما وقتی به خانه وی مراجعه کردند مشخص شد که این جوان از روزه جنایت ناپدید شده و هیچ کسی از او اطلاعی ندارد و همین کافی بود تا کامران به عنوان عامل این جنایت خوین تحت تعقیب قرار گیرد. تجسس های پلیسی ادامه داشت اما هیچ سرخی از کامران به دست نیامد و تحقیقات فنی به بن بست پلیسی رسید. بازپرس پرونده با گذشت سه سال از این جنایت با توجه به این که هیچ سرخی از عامل جنایت به دست نیامده کیفرخواست پرونده را به صورت غیابی اعلام کرد. بنابر این گزارش، کامران متهم به قتل حمید شناخته شد و پرونده پس از صدور کیفرخواست به صورت غیابی برای صدور حکم نهایی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع داده شد.